کیهان

یادداشت روز

مذاکره، مذاکره و ناگهان جنگ حلب!

تحولاتی که در «حلب»، ناگهانی و به سرعت برق آغاز شده است، آیا ارتباطی به جنگ «اسرائیل» با محور مقاومت دارد؟ شروع یک جنگ «غافلگیرکننده» در شمال سوریه -به عنوان پل ارتباطی مقاومت با دنیای خارج- درست یک ساعت و نیم پس از آغاز آتش‌بس در لبنان آیا اتفاقی است؟ وقتی به پاسخ این دو سؤال می‌اندیشید، به این هم فکر کنید که، شمال سوریه در تسخیر ترکیه، آمریکا و کردهای وابسته به آمریکاست و آتش‌بس نیز اصولا برای «تنفس» طرف‌های درگیر جنگ است! حالا به این یک سؤال هم کمی بیندیشید که «آیا سازماندهی هزاران تروریست تکفیری از ملیت‌های مختلف و تسلیح آنها با انواع سلاح‌ها و پهپادها» با توجه به «پیشروی‌های اولیه سریع آنها در شمال سوریه» بدون برنامه‌ریزی قبلی و حمایت‌های بین‌المللی ممکن است؟! کدام کشورها از این تروریست‌های اجاره‌ای حمایت می‌کنند؟ غیر از آمریکا، رژیم صهیونیستی، ترکیه و برخی کشورهای مرتجع عربی و حتی اروپایی؟! بخوانید:

۱- چهارشنبه‌ای که گذشت، ساعت ۵:۳۰ دقیقه صبح به وقت تهران، آتش‌بس بین حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی رسما آغاز شد. این دو از ۸ اکتبر ۲۰۲۳ نبرد بزرگ را شروع کرده بودند اما نبرد اصلی و رو در روی آنها-که بعضا حتی به نبردهای تن به تن منجر می‌شد- حدود دو ماه طول کشید. صهیونیست‌ها به همین اندازه نیز با سایر محورهای مقاومت یعنی فلسطین، عراق و یمن درگیر جنگ بوده‌اند. رژیم صهیونیستی در طول عمر هفتاد ساله‌اش، هیچ‌گاه درگیر چنین جنگ «نفس‌گیر» و طولانی آن هم با چند جبهه نشده و هیچ گاه نیز این قدر خسارت و تلفات متحمل نشده بود. به هر تقدیر آتش‌بس در تاریخ ۷ آذر برای یک تنفس و استراحت آغاز شده است. این آتش‌بس می‌تواند در هر لحظه شکسته شود، و می‌تواند طولانی‌تر از ۶۰ روز هم باشد. اما دیدیم که کمتر از دو ساعت بعد از این آتش بس، نبردی دیگر علیه محور مقاومت این بار در شمال سوریه و حلب آغاز شد. با علم آمار و احتمال هم اگر سراغ تحلیل «فتنه حلب» برویم، احتمال اتفاقی بودن آن تقریبا محال است چون هدف این جنگ، درگیر نگه داشتن و تضعیف همان جبهه مقاومتی است که، از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ گلوی صهیونیست‌ها را فشرده است. بنابراین می‌توان با اطمینان گفت، وقتی جبهه مقاومت درگیر جبهه صهیونیستی-غربی-عربی بود، یک پلن B را نیز آماده می‌کرد و آن چیزی نبود جز، استفاده از ظرفیت تروریست‌های تکفیری در شمال سوریه؛ جایی که پل ارتباطی مقاومت لبنان و غزه به دنیای بیرون است.

۲- کارشناسان نظامی می‌گویند، شروع‌کننده جنگ، یک هیچ جلو است چون، برنامه‌هایش را از قبل آغاز کرده و او نیست که، غافلگیر می‌شود. بنابراین، پیشروی‌های اولیه شروع‌کننده جنگ، عجیب و غیرعادی نیست. طبق گزارش‌هایی که از حلب منتشر می‌شود، پیشروی اولیه تروریست‌های تکفیری (از ملیت‌های مختلف مثل ازبک، تاجیک، اویغور، ترک و... عرب) سریع بوده و آنها توانسته‌اند، با استفاده از اصل غافلگیری، برخی مناطق و روستاهای منتهی به حلب را ضمن کشتار وحشیانه مردم، تصرف کنند. دانشگاه حلب را هدف قرار داده و شماری از نظامیان ارتش سوریه را نیز قتل‌عام نمایند. اما جبهه مقاومت نیز به کمک متحدانی مثل ایران و روسیه، ضمن عقب راندن تروریست‌ها از برخی مناطق، توانسته‌اند تلفات و خسارات سنگینی به آنها وارد کنند. تا لحظه تنظیم این گزارش خبرهای ضد و نقیضی از سقوط برخی مناطق و حتی «حلب جدید» منتشر شده است. اما با این حال، به این مهم هم باید توجه داشت که، کشورهایی که این تروریست‌ها را به جان مردم سوریه انداخته‌اند، در آن پلن B خود، آن پیوست رسانه‌ای را هم، آماده کرده‌اند فلذا، هنوز نمی‌توان به همه خبرهایی که درباره پیشروی‌های تروریست‌ها به سمت حلب منتشر می‌شود، اطمینان کرد. طی یکی دو روز آینده شاید بهتر بتوان گفت، کدام اخبار صحیح و کدام اخبار، عملیات روانی است.

۳- محورهای مقاومت، بازوهای ایران و متحدین ما و دوستان ما هستند. حمله به آنها، حمله به توانایی‌های ماست. طی همین یکی دو روز گذشته، در جنگ سوریه و حلب، شماری ایرانی به شهادت رسیده‌اند. بنابر این، هدف غایی و اصلی این جنگ جدید و «فتنه حلب»، «ایران» است. طراحان پلن B، چند هدف را دنبال می‌کنند که در نهایت به تضعیف ایران برسند از جمله: یک: اجازه تنفس به محور مقاومت، به واسطه آتش‌بس را ندهند. دو: با این جنگ به دنبال آنند که پل مهم ارتباطی بین مقاومت لبنان و فلسطین را با دنیای بیرون قطع کنند. سه: احتمالا از این شرایط، در مذاکراتی که با ایران شروع کرده‌اند، بهره ببرند و امتیاز بگیرند! چهار: می‌دانند که، درگیر نگه داشتن ایران و متحدانش در سوریه، به همان اندازه، از فشارهایی که در لبنان و غزه به صهیونیست‌ها وارد می‌شود، خواهد کاست و...

۴- خطوط بعدی را با دقت بیشتری بخوانید: وقتی محور بزرگ مقاومت به رهبری ایران، از غزه و لبنان تا یمن و عراق، با کثیف‌ترین رژیم حال حاضر عالم و قاتل ۵۰ هزار زن و کودک و نوزاد فلسطینی درگیر بود و گلویش را می‌فشرد، غرب با «هر آنچه» که تصورش را بکنید، به کمک صهیونیست‌ها آمد. طراحی جنگ حلب یکی از همان چیزهایی است غرب با آن به کمک صهیونیست‌ها آمده است. یعنی وقتی دوستان ما در ایران، داشتند مقدمات مذاکره با غرب را می‌چیدند تا با آنها از سر دوستی و آشتی وارد شوند، آنها مشغول طراحی پلن B یعنی «احیاء تروریست‌های تکفیری در سوریه» بودند! مذاکره، درست نقطه مقابل جنگ و تنش است. وقتی حریف در حال جنگ است و وسط «مذاکره مذاکره» کردن‌های دوستان در حال طراحی پلن B، اوج روباه صفتی دشمن را نشان می‌دهد. در چنین فضائی، صحبت از مذاکره، جز شکستن وحدت، هیچ دستاوردی برایمان نخواهد داشت. چرا؟ چون در فضای مذاکره -از نگاه برخی از این دوستان- نه باید مرگ بر اسرائیل گفت، نه باید به متحدان خود کمک کرد و نه حتی آزمایش موشکی انجام داد یا نه حتی روی یک موشک نوشت: اسرائیل غده سرطانی است!

۵- مدتی پیش از آتش‌بس در لبنان، سران برخی کشورهای مرتجع عربی پیامی را به بشار اسد می‌رسانند. (احتمالا پیامی از سوی غرب) آنها برای شکستن مقاومت سوریه به بشار اسد به دروغ می‌گویند، کار حماس و حزب‌الله تمام است(!) اگر ایران را رها کنی، علاوه بر تضمین زندگی خود و خانواده‌ات، کشورت را به طور کامل بازسازی می‌کنیم. بشار اسد وقتی این پیام‌ها را به یکی از فرستادگان ایران می‌رساند، او از این همه صراحت آن رهبر عربی تعجب می‌کند. بشار اسد فریب نخورد و... آنچه امروز در سوریه شروع شده، می‌تواند نتیجه رد کردن آن وعده‌ها باشد. می‌خواهیم بگوییم، اولین گام در مواجهه با حریف -حتی اگر برای مذاکره باشد- شناختن آن است. با چنین دشمن قسم‌خورده خبیثی، آیا مذاکره کردن عین سادگی نیست؟!

جعفر بلوری

گزارش خبری تحلیلی کیهان

سرگرم کردن ایران به مذاکره عملیات فریب اروپاست

سرویس سیاسی-

توالی اتفاقات ماه‌های اخیر با افزایش فشارها از سوی اروپایی‌ها، ظن ابتدایی بودن مذاکره از سوی اروپایی‌ها و نیت سرگرم‌سازی ایران برای از بین رفتن تمرکز کشور بر مقابله با جنایات اسرائیل را به ذهن متبادر می‌سازد.

دور جدید مذاکرات با طرفین اروپایی در حالی پس از ۳ سال این بار در ژنو از سرگرفته شد که به بررسی روند و توالی تحولات و مواضع و اتفاقات میان ایران و غرب در سطوح منطقه‌ای و جهانی، نکات زیادی را در بر دارد.

شدت یافتن جنایات اسرائیل در طی ماه‌های اخیر، فعال شدن تکفیری‌ها در سوریه و فشارهایی سیاسی و نظامی بر سوریه در روزهای اخیر و از نفس افتادن اسرائیل بعد از ۱۴ ماه جنگ، گوشه‌ای کوچک از مهم‌ترین اتفاقاتی است که در کنار فشارهای سیاسی و تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا و قطعنامه شورای حکام، سعی در وقوع و به سرانجام رساندن هدفی خاص در برابر ایران دارد.

هدف غایی غرب در این مقطع نه مذاکره و حل و فصل معضلات و عدم تفاهم با ایران در موضوع هسته‌ای است و نه ایجاد چارچوبی برای گفت‌وگو درباره ادعاهای واهی در موضوع اوکراین است.

تلاقی این اتفاقات به خوبی نشانگر این است که مذاکره فعلی بیش از هر چیز عملیاتی ایذایی برای سرگرم‌سازی ایران و خرید مهلت برای ضربه سهمگین‌تر به کشورمان است.

نمونه واضحی از این روند را می‌توان در خویشتنداری ناشی از حسن نیت ایران به صلح در منطقه در زمان پس از ترور شهید هنیه مشاهده کرد.

صبر ایران در آن زمان نه تنها با پاسخ مثبتی از سوی غربی‌ها به عنوان حامیان اصلی اسرائیل روبه‌رو نشد که رژیم اسرائیل را در شدت دادن به جنایات خود جری‌تر کرد.

به نظر می‌رسد اصرار اروپا به مذاکره و ورود تکفیری‌ها به عرصه نبرد، دو عنصر جدید بازی آمریکایی برای کاهش فشار بر اسرائیل است.

جولانی به جای گولانی؛ فشار عربی، عبری، ترکیه‌ای به سوریه

کشور سوریه درست در ساعاتی که آتش‌بس در لبنان اغاز می‌شد، شاهد موج سنگینی از حملات تکفیری‌های مورد حمایت کشور ترکیه در مناطق شمال غرب این کشور در حلب بود.

جدای از اینکه متاسفانه کشور ترکیه با روحیه سودجویانه و با زیر پا گذاشتن تمامی مرزهای اخلاقی، در زمانی که باید نقشی محوری در مقابله با اسرائیل ایفا می‌کرد، همت خود را به برداشتن سهمی از سوریه مصروف داشته؛ توالی آتش‌بس در لبنان و فعال شدن تکفیری‌ها در سوریه، نشانگر عزم آمریکا و اسرائیل در فشار بر سوریه برای تن دادن به خواسته‌های آنان در دوری از ایران و محور مقاومت است.

در روزهایی که تیپ گولانی ارتش اسرائیل خسته از نبرد چندین ماهه به دنبال فرار از معرکه لبنان بود، حیوانات تکفیری به فرماندهی ابومحمد جولانی، وارد معرکه فشار بر محور مقاومت شده‌اند. حیواناتی که در طی ۱۴ ماه جنایت اسرائیل در حق مردم هم نژاد و هم مذهبشان در فلسطین، کوچک‌ترین تحرکی علیه اسرائیل نداشته و تنها به ضربه به محور مقاومت همت گماشته‌اند.

در پازل طراحی نظم نوین آمریکایی، اسرائیلی برای غرب آسیا، اینک تکفیری‌ها به میدان فرستاده شده‌اند.

از نفس افتاده

اسرائیل پس از چهارده ماه جنگ در غزه و قریب به سه ماه جنگ سهمگین در لبنان خسته‌تر از هر روز به دنبال کاهش فشار از خود و ورود عنصری جدید به نبرد با محور مقاومت و ایران بود.

از همین رو تکفیری‌ها مولود نامشروع و برادران خونی صهیونیسم با پذیرفتن این وظیفه، معادله درگیری میان مقاومت و اسرائیل را وارد فاز جدیدی کرد.

براساس یک نظرسنجی که نتایج آن توسط کانال ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی منتشر شد، بیشتر صهیونیست‌ها معتقدند رژیم اسرائیل نتوانست حزب‌الله لبنان را شکست دهد. این از ساکنان سرزمین‌های اشغالی. اما مقامات صهیونیست چه می‌گویند؟

اذعان تحلیلگران و خبرنگاران شبکه‌های غربی و غرب‌گرا به شکست رژیم اسرائیل مثل «اینترنشنال» در جنگ با حزب‌الله لبنان هم قابل توجه است: «اسرائیل از سر استیصال پیشنهاد آتش‌بس داد و این یعنی شکست کامل برای اسرائیل؛ هنوز گروگان‌های ما در غزه هستند و ما مجبور به توافق با حزب‌الله شدیم!»

دغدغه غرب نه هسته‌ای و نه جنگ اوکراین است

در طی دو دهه اخیر، یکی از روش‌های متداول غرب، بهانه سازی و بهانه‌تراشی برای اجماع علیه کشورمان و ایجاد دستاویزهای مختلف برای امتیازگیری از ملت ایران بوده است.

چندین سال مذاکره در زمان اصلاحات، مذاکرات متمادی در زمان انعقاد برجام و چند سال مذاکره با اروپا در دوران پس از برجام، هیچ‌گاه منجر به پایان دادن به بهانه غرب در موضوع هسته‌ای نشد.

برجام نه تنها نتوانست پایانی بر ادعاهای واهی غرب در موضوع برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران باشد که طرح ادعاهای واهی سیاسی از سوی دبیرکل آژانس در مورد سایت‌های ادعایی نشانگر این بود که حسن نیت کشورمان در رابطه با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین طرفین برجام، پاسخ مثبتی را دریافت نکرد.

اروپا در طی ماه‌های اخیر نیز با طرح ادعا و بهانه‌ای جدید که این بار مضحکانه‌تر از دفعات پیش حتی از سوی رئیس‌جمهور اوکراین نیز تکذیب شد، ایران را به ارسال موشک به روسیه برای استفاده در اوکراین متهم کرد.

غرب حتی در فراری رو به جلو، تحریم‌های مداومی را علیه شرکت‌های هواپیمایی ایرانی و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران وضع و در آخرین اقدام با پشت پا زدن به تمام پالس‌های مثبت و حسن نیت‌های دولت جدید در کشورمان، با صدور قطعنامه در شورای حکام، اصرار خود بر تقابل را بیش از پیش نشان داد.

در پس این فشارها نه موضوع هسته‌ای و نه جنگ اوکراین هیچ‌گاه دغدغه اصلی آنان نبوده و ضربه به نقش منطقه‌ای ایران در مبارزه با اسرائیل و نقش جهانی کشورمان، هدف غایی آنان است.

پشت پرده بازی جدید اروپا

در طی یک سال و دو ماهی که از آغاز جنگ ظالمانه و جنایتکارانه اسرائیل علیه مردم غزه و سپس حملات علیه مردم لبنان می‌گذرد، اروپا و آمریکا به عنوان مهم‌ترین حامیان این رژیم، مهم‌ترین نقش را در تداوم این جنایات داشتند.

این کشورها نه تنها کوچک‌ترین قدمی را در جهت توقف این جنایات برنداشتند که از هیچ کمکی به ماشین جنگی این رژیم و حیات ننگین آن نیز دریغ نکردند.

تحریم ۳ شرکت هواپیمایی کشورمان، تحریم کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، صدور قطعنامه علیه کشورمان در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مذاکرات با چاشنی تهدید پس از چند سال بی‌تعهدی و عدم اجرای تعهدات در دوران پس از خروج آمریکا از برجام، هر سه، گام‌های اروپا برای کمک به اسرائیل در باتلاقی است که در آن گرفتار شده است.

گزافه‌گویی مورا

به گزارش ایرنا، انریکه مورا پنجشنبه شب (به وقت محلی ژنو) باانتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر سابق) نوشت که در جریات ملاقات با کاظم غریب‌آبادی و مجید تخت‌روانچی معاون حقوقی و سیاسی وزیر امور خارجه ایران، گفت‌وگوهای «صریحی» را درخصوص مسئله هسته‌ای، دخالت ادعایی ایران در جنگ اوکراین، تنش‌های منطقه‌ای و ادعاهای حقوق بشری داشته است.

وی با تکرار ادعاها درباره دخالت ایران در جنگ اوکراین مدعی شد: حمایت نظامی ایران از روسیه باید متوقف و از تشدید بیشتر تنش‌ها در منطقه جلوگیری شود.

معاون دبیرکل سرویس اقدام خارجی اروپا همچنین تصریح کرد: مسئله هسته‌ای ایران به راه‌حل دیپلماتیک نیاز دارد.

ادعاهای حقوق بشری از دیگر مسائلی است که به گفته مورا در جلسه روز پنجشنبه مورد اشاره قرار گرفت.

این زیاده‌گویی انریکه مورا نشان‌دهنده این است که رغبت مسئولان کشورمان به مذاکره با اروپا پس از صدور قطعنامه شورای حکام نیز نتوانست از زیاده‌خواهی و پررویی طرفین اروپایی بکاهد و تاثیری در اصلاح رویکرد این بازیگران بی‌مقدار سیاست بین‌الملل در قبال ایران داشته باشد.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

حرف نمی‌زنه، ولی..!

گفت: چی شد که بلافاصله بعد از آتش‌بس میان رژیم صهیونیستی و حزب‌الله لبنان، تروریست‌های تکفیری در سوریه دست به یک حمله غافلگیرانه زدند؟!

گفتم: ده‌ها سند غیرقابل انکار به‌وضوح نشان می‌دهد که تروریست‌های تکفیری تحت حمایت آشکار آمریکا، اسرائیل، اروپا، ترکیه و چند دولت مزدور عربی هستند. این مجموعه کثیف قصد دارند با این اقدام خود از یک طرف به اسرائیل درحال نابودی، تنفس مصنوعی بدهند و از طرف دیگر نیروهای مقاومت را در جبهه سوریه درگیر کرده و تضعیف کنند!

گفت: سرکردگان تروریست‌های تکفیری به صراحت اعلام کرده‌اند هدف نهائی ما ایران است! یعنی کشوری که پشتوانه تمامی نیروهای مقاومت است.

گفتم: این حمله گسترده بلافاصله بعد از اعلام آتش‌بس، نمی‌تواند بدون برنامه‌ریزی و آمادگی قبلی باشد. چرا باید این توطئه از نگاه مسئولان ما پنهان مانده باشد؟!

گفت: ای عوام! دشمن فکر این‌جا را هم کرده بود! و سر مسئولان ما را به مذاکره با اتحادیه اروپا گرم کرده بود!

گفتم: یارو رفته بود طوطی بخره، یک جغد بهش قالب کردند! بعد از چند روز رفیقش پرسید؛ اون طوطی که خریدی، حرف می‌زنه؟ گفت: نه، ولی خیلی تو فکره و خیلی بادقت به همه نگاه می‌کنه!

هشدار ایران نسبت به فعال شدن مجدد گروه‌های تروریستی - تکفیری در سوریه

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به تحولات روزهای گذشته سوریه، ضمن هشدار نسبت به فعال شدن مجدد گروه‌های تروریستی- تکفیری در سوریه، خواستار اقدام قاطع و هماهنگ برای جلوگیری از گسترش بلیه تروریسم در منطقه شد.

اسماعیل بقائی، شامگاه پنجشنبه ۸ آذر ۱۴۰۳ با محکوم کردن شدید همه اشکال و مظاهر تروریسم، تحرکات گروه‌های تروریستی در سوریه در روزهای اخیر را بخشی از طرح اهریمنی رژیم تروریستی و آمریکا برای ناامن‌سازی منطقه غرب آسیا دانست و بر ضرورت هوشیاری و هماهنگی کشورهای منطقه به‌ویژه همسایگان سوریه برای خنثی کردن این توطئه خطرناک تاکید کرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه خاطرنشان کرد که بر اساس توافق‌های موجود میان سه کشور ضامن روند آستانه (ایران، ترکیه و روسیه) منطقه حومه حلب و ادلب جزو مناطق کاهش تنش محسوب می‌شوند و حمله گروه‌های تروریستی به این مناطق نقض فاحش توافقات روند آستانه نیز می‌باشد و دستاوردهای مثبت این روند را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد.

بقائی همچنین با یادآوری مسئولیت مشترک جامعه جهانی برای پیشگیری و مبارزه با پدیده شوم تروریسم، هشدار داد که هرگونه تعلل در مقابله با تحرکات تروریستی در سوریه، همه دستاوردهای مبارزه با تروریسم در سال‌های گذشته را در معرض خطر قرار داده و منطقه را وارد دور جدیدی از ناامنی و بی‌ثباتی خواهد کرد.

به گزارش ایرنا، سخنگوی وزارت امور خارجه با گرامیداشت یاد و خاطره مجاهدانی که در ۱۴ سال گذشته برای دفاع از امنیت و کرامت انسانی مردم منطقه در برابر تروریسم تکفیری فداکاری کرده‌اند، و با تبریک و تسلیت شهادت مستشار ارشد نظامی کشورمان، سردار سرافراز کیومرث (هاشم) پورهاشمی، در مصاف با گروه‌های تروریستی در حومه حلب، بر ادامه حمایت جمهوری اسلامی ایران از دولت و ملت سوریه برای مقابله قاطع با گروه‌های تروریستی و بازگرداندن امنیت و ثبات به این کشور تاکید کرد.

خبر ویژه

فحاشی به رئیس مجلس فقط به خاطر یادآوری قانون!

اظهارات روشن و دقیق رئیس مجلس به عنوان رئیس نهاد قانونگذاری مبنی بر این که انتصاب آقای ظریف در دولت خلاف قانون موجود است، با پرخاشگری عجیب و نقاب از چهره انداختن مدعیان اصلاحات همراه شد.

در این زمینه روزنامه زنجیره‌ای هم‌میهن ضمن حمله به آقای قالیباف با ادبیاتی سخیف، اظهارات وی را «عبور از وفاق»، «تکرار خودزنی سیاسی» و «خود را نشناختن» توصیف کرد! هم‌میهن توضیح نداده که آیا معنای وفاق، توافق و تعامل با یکدیگر است؟ یا توقع تسلیم یکطرف در مقابل طرف دیگر و اعتراض نکردن به نقض قانون؟!

این روزنامه نوشت: «مسئله مربوط به فرزندان محمدجواد ظریف از سوی تندروهای مجلس به جای اینکه یک مسئله حقوقی و قانونی تلقی شود، رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته است.

به نظر می‌رسد در مجلس اراده‌ای برای حذف وجود دارد و نه حل مشکل. در جلسه علنی مجلس، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس در پاسخ به تذکر رسایی اظهار داشت: «در مورد مسئله مربوط به آقای ظریف، حتی در روز بررسی فوریت لایحه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس نیز بیان کردم که این امر تخلف است و حتماً آنجا خلاف قانون انجام شده و باید پیگیری شود و شکی در این نیست. البته غیر از روند بررسی طبق ماده ۲۳۴ مسیرهای دیگری نیز دارد، باید منتظر باشیم تا گزارش کمیسیون بیاید. طبق قانون این انتصاب، انتصاب غیرقانونی است، ان‌شاءالله دولت نیز در این راستا خودش تدبیر کند و ما هم به عنوان مجلس حتماً اقدامات قانونی خودمان را پیگیری می‌کنیم، فعلاً گزارش مربوطه در کمیسیون هست و رئیس کمیسیون نبوده، حال گزارش را بررسی کرده و ارسال کنند، این کار انجام می‌شود.»

درحالی که تندروهای مجلس مشغول تخریب پزشکیان و دولتش هستند، جلسه‌ای میان مسعود پزشکیان با اساتید سیاست خارجی برگزار شد. پزشکیان با بیان اینکه امروز «وفاق ملی» نقطه اصلی اتکای ما برای حل نه‌تنها مسائل سیاست خارجی، بلکه تمامی مشکلات گریبان‌گیر در کشور است، افزود: «ما نباید به دعواهای سیاسی در جامعه دامن بزنیم.»

در حالی که شخص رئیس‌جمهور تلاش می‌کند این وضعیت تغییر کند، تحرکات داخل مجلس خیلی با این روند هم‌خوانی ندارد. با توجه به راهبرد و کلان‌پروژه پزشکیان برای وفاق حداکثری، پایان دادن به دعواهای بی‌حاصل سیاسی و آمادگی کشور برای حل مشکلات داخلی و خارجی، تندروها در مجلس روی خوشی به این راهبرد نشان نمی‌دهند.

هم‌میهن در مطلب دیگری با عنوان «تکرار خودزنی سیاسی» نوشت: «جناب آقای قالیباف! قرار نیست هر فرد بی‌صلاحیتی به دلیل حمایت شما یا وابستگی به شما همچنان در مصدر کار بماند. بهتر است خودزنی سیاسی را پایان دهید آقای قالیباف عجیب‌ترین است. هیچ‌گاه نتوانسته است نوعی ثبات و پایداری که لازمه سیاست‌ورزی مؤثر است را از خود نشان دهد. گویی باید از یک سوراخ چندبار گزیده شود. افق بلندمدتی ندارد؛ لذا درگیر مسائل جزئی و تاکتیکی می‌شود. این اشتباه‌ها از انتخابات سال ۱۳۸۴ که تا حالا ۲۰سال گذشته همواره تکرار شده است. در همه موارد نتوانست دوست و دشمن سیاسی خود را بشناسد و در دام افتاد و مکرر شکست خورد؛ در حالی که در همه موارد شانس‌های قابل‌توجهی داشت. او همیشه از خودش شکست خورد و اکنون دوباره در حال تکرار این اشتباه است. اکنون مواضع وی درباره ظریف و اینکه انتصاب قانونی نیست؛ روی دیگر این بی‌ثباتی را نشان می‌دهد. اول اینکه نیاز نبود سه ماه بگذرد که چنین صحنه‌ای را رقم بزنند. ایشان جلسات زیادی با آقای پزشکیان داشته‌اند. می‌توانستند و می‌بایست همان‌جا و با حضور رئیس قوه قضائیه مسئله را حل‌وفصل می‌کردند.

واقعا باید به حال سیاست‌ورزی در ایران گریه کرد که در چنین شرایط بحرانی کشور که در تاریخ بی‌سابقه است؛ مسئله‌ای را که یا نباید به‌وجود آید یا با چند جمله درون‌ساختاری حل‌وفصل می‌شود، از جانب قدرت‌طلبان بی‌مسئولیت فقط به دلیل کینه‌ورزی و نفرت‌پراکنی این جماعت تبدیل به مسئله اصلی کشور شود و رئیس مجلس را هم به دنبال خود بکشاند. چنین وضعیتی است که ناظر سیاسی را وامی‌دارد قالیباف را خطاب قرار دهد و به او بگوید: پیش و بیش از آنکه بخواهی جای ظریف باشی یا جایگاه او را به او بنمایی، جایگاه خودت را بشناس و خیر و صلاح خودت را.»

عصبانی شدن و کف بر لب آوردن روزنامه هم‌میهن و سرهم‌کردن توجیهات دم‌دستی در کنار توهین به رئیس مجلس، در حالی است که همه کابینه آقای پزشکیان با وجود تردید جدید و مستند نسبت به عدم صلاحیت چند نفر از آنها، از همین مجلس به ریاست آقای قالیباف یک‌جا رای اعتماد گرفتند اما اکنون که آقای قالیباف متن صریح منع قانونی را درباره انتصاب آقای ظریف متذکر شده، منافقان مدعی وفاق در نشریات زنجیره‌ای، زبان به ناسزا و توهین گشوده‌اند.

نکته قابل‌تأمل این که ادعای عدم رعایت اولویت‌ها و مسائل اصلی و فرعی هم قبل از همه متوجه سیاسی‌کاری مدعیان اصلاحات در دولت است و گرنه به جای این که لایحه فوریت‌دار را برای دور زدن قانون موجود و قانونی کردن انتصاب غیرقانونی آقای ظریف در دولت به مجلس ارائه کنند، لایحه‌ای مرتبط با مشکلات اقتصادی مردم ارائه می‌کردند یا رأساً با لایحه‌نویسی برای یک شخص، وقت محترم مجلس را نمی‌گرفتند.

مذاکره با اروپا که شکست می‌خورد پس به ترامپ دیوانه اعتماد کنیم!

عضو اولین تیم مذاکره‌کننده حسن روحانی با اروپا تأکید کرد مذاکرات جدید ایران و اروپا به پنج دلیل شکست می‌خورد.

سید حسین موسویان در تحلیلی که از سوی «بولتن دانشمندان هسته‌ای آمریکا» منتشر شده، در عین حال خواستار مذاکره و توافق با آمریکا شده و حال آن که برجام در اصل توافق با آمریکا بود و همین آمریکا ترامپ (و اوباما و بایدن) بودند که توافق را زیر پا گذاشتند و به همین علت آقای روحانی مذاکره برای توافق و پذیرش زیر پا گذاشتن برجام را «دیوانگی» توصیف کرد.

موسویان نوشته است: بیست سال پیش، من سخنگوی تیم هسته‌ای ایران بودم که از مهر ۱۳۸۲ مذاکرات با سه کشور اروپایی آغاز شد. تا بهار ۱۳۸۴، مذاکرات هسته‌ای به توافق نهائی نزدیک شده بود، اما دولت بوش، از طریق بریتانیا، توافق را وتو کرد. بعد از شکست مذاکرات هسته‌ای، احمدی‌نژاد، یک اصولگرا، بعد خاتمی اصلاح‌طلب، رئیس‌جمهور شد.

پس از پیروزی احمدی‌نژاد، ایران برنامه غنی‌سازی را از سر گرفت و آژانس، پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع داد که منجر به تصویب چندین قطعنامه تحریمی علیه ایران شد. در پاسخ، ایران هم میزان غنی‌سازی خود را افزایش داد و هم سطح غنی‌سازی اورانیوم را بالاتر برد. تا سال ۱۳۹۴، ایران قادر بود در عرض دو ماه مقدار کافی اورانیوم با درجه تسلیحاتی برای ساخت یک بمب هسته‌ای تولید کند. ایران و آمریکا در سال ۱۳۹۲ وارد مذاکرات مستقیم شدند و در نهایت به توافق برجام در سال ۱۳۹۴ منجر شد، که پروتکل‌های بازرسی سختگیرانه‌ای را بر تأسیسات هسته‌ای اعمال کرد و زمان‌گریز ایران را به حدود ۱۲ ماه افزایش داد.

ایران به مدت سه سال به طور مداوم به تعهدات خود پایبند بود تا اینکه ترامپ از توافق خارج شد. اروپا تلاش کرد تا توافق را اجرا کند، اما به دلیل تحریم‌های ایالات متحده، نتوانست این کار را انجام دهد. اکنون اروپا در تلاش است تا مذاکرات هسته‌ای با ایران را احیاء کند، اما به دلیل از دست دادن امتیازات قبلی خود، احتمالاً مذاکرات به دلایل پنج‌گانه شکست خواهد خورد:

● در سال ۱۳۸۲، اروپا روابط اقتصادی گسترده‌ای با ایران داشت، اما به دلیل تحریم‌های ایالات متحده، این روابط به چین منتقل شده است.

● عمان و قطر در سال‌های اخیر نقش میانجی‌گری بین ایران و ایالات متحده را به‌عهده گرفته‌اند و این، موقعیت اروپا را بیشتر تضعیف کرده است.

● اتحادیه اروپا در داخل خود دچار بحران سیاسی است.

● با قطعنامه جدید آژانس، سه کشور اروپایی از ایران خواسته‌اند که به مکانیسم‌های راستی‌آزمایی برجام بازگردد؛ در حالی که اروپا توانایی ارائه امتیازات متقابل برای لغو تحریم‌های کلیدی را ندارد.

● اروپا قرار است مسائل منطقه‌ای و اوکراین را مطرح کند. اما باز هم، هیچ توانی برای ارائه امتیازات متقابل به ایران در مورد رفع تحریم‌های آمریکا را ندارد.

آغاز مذاکرات جدید بین ایران و سه کشور اروپایی گامی مثبت و ضروری است، اما همان‌طور که من بیش از دو دهه است بر آن تأکید کرده‌ام، در غیاب ایالات متحده، هیچ توافقی ممکن نخواهد بود. اگر ترامپ به سیاست قبلی خود یعنی «فشار حداکثری» بازگردد، احتمالاً ایران از مرز خواهد گذشت. اما ترامپ فرصتی طلایی دارد؛ نه تنها برای حل بحران هسته‌ای بلکه برای پایان دادن به ۴۰ سال دشمنی میان غرب و ایران و حل بحران منطقه‌ای فعلی.

موسویان در ادامه از ترامپ خواسته به واسطه مذاکره مستقیم با ایران و توافق هسته‌ای برد- برد تاریخ‌ساز شود. او در ادامه نوشته است: «مذاکرات جامع باید در مورد نه تنها مسئله هسته‌ای بلکه در مورد وضعیت خطرناک خاورمیانه، برگزار شود. مردم ایران در انتخابات اخیر، یک سیاستمدار میانه‌رو را انتخاب کردند. پزشکیان در پی آشتی با غرب است. این فرصتی است که ایالات متحده و رئیس‌جمهور ترامپ نباید آن را از دست بدهند.»

همزمان با تحلیل موسویان، خبرگزاری رویترز نوشت که اروپایی‌ها در دور جدید مذاکرات، «به دنبال محک کارت‌های قابل واگذاری ایران در مذاکرات هسته‌ای هستند»!

رویترز افزود: هدف اصلی تهران پیدا کردن راه‌هایی برای رفع تحریم‌ها است که از سال ۲۰۱۸ به دلیل عدم پایبندی ترامپ به توافق هسته‌ای اعمال شده است. یک مقام اروپایی گفت که هدف اصلی از این دور گفت‌وگوها در ژنو، تلاش برای توافق بر روی یک زمان‌بندی و چارچوب مشخص برای آغاز مذاکرات است تا تعهد روشنی از سوی طرف ایرانی برای شروع مذاکره بر روی چیزی مشخص قبل از ورود ترامپ به کاخ سفید وجود داشته باشد.

کلسی داونپورت از کارشناسان مسائل هسته‌ای در این‌باره به رویترز می‌گوید: «هیچ توافقی یا هیچ گفت‌وگوی جدی درباره جزئیات یک توافق تا زمانی که ترامپ به قدرت برسد وجود نخواهد داشت. اما اروپایی‌ها باید ایران را تحت فشار قرار دهند تا مشخص کنند آماده مذاکره درباره کدام جنبه‌های برنامه هسته‌ای خود است و چه شرایط امنیتی در منطقه باید تغییر کند تا ایران بتواند در زمینه هسته‌ای امتیازهایی بدهد.»

در حالی که لحن رویترز هم نشان می‌دهد اروپا فقط طلبکاری می‌کند و امتیازی هم برای ارائه به ایران ندارد، وبسایت اصلاح‌طلب جماران به قلم خبرنگار سابق روزنامه اعتماد تصریح کرد: «با توجه به فضای حاکم بر نخستین دیدار هیئت‌های ایرانی و اروپایی می‌توان گفت این جلسه را در بهترین حالت آن می‌توان یک جلسه «طوفان فکری» برای ارزیابی مجدد شرایط با توجه به تحولات ماه‌های اخیر در حوزه‌های مختلف، رد و بدل کردن مطالبه‌ها، خطوط قرمز کلی طرفین و مشخص کردن گام‌های مرحله به مرحله برای حل و فصل اختلاف‌های غیر برجامی و رسیدن به حداقلی از توافق برای از سرگیری مذاکرات فشرده و هدفمند برجامی دانست.»

در این میان تحلیل آقای موسویان نشان می‌دهد که عبرت‌های لازم از چند دور توافق با آمریکا و اروپا گرفته نشده و آرزو اندیشی بر واقع بینی غلبه دارد. آقای موسویان اطلاع دارد که دولت بوش پدر در توافق با مرحوم هاشمی توانست عناصر دستگیر شده خود در لبنان را آزاد کند اما در عین حال زیر قول متقابل خود درباره کاهش تحریم‌ها بزند.

همچنین بر خلاف ادعای آقای موسویان، ایران و اروپا در سال ۱۳۸۴ در آستانه توافق نبودند بلکه اروپایی‌ها با سه توافق سعدآباد و بروکسل و پاریس توانسته بودند به مدت دو سال و نیم تمام برنامه‌ای هسته‌ای ایران را تعلیق (تعطیل) بکنند اما ضمناً مرتکب پشت هم اندازی شده و وعده اولیه شش ماه اعتمادسازی داوطلبانه ایران را به مطالبه تعلیق دائمی برنامه هسته به عنوان معتبرترین تضمین قابل ارائه از سوی ایران تغییر دهند! ضمناً این دولت خاتمی و نه احمدی نژاد بود که با واسطه دو سال و نیم عهدشکنی طرف اروپایی، تعلیق‌ها را کنار گذاشت و فعالیت برنامه هسته ای را از سر گرفت.

در عین حال در حالی که رئیس موسویان در مذاکرات ۸۴- ۱۳۸۲ مذاکره دوباره با طرف زیر پا گذارنده توافق موجود را دیوانگی خوانده، آقای موسویان ترجیح می‌دهد که هم‌طیفان او مرتکب چندباره دیوانگی محض در اعتماد به آمریکا و فرد ذاتاً عهدنشناسی مثل ترامپ شوند.

آدرس اشتباه ندهید! دولت روحانی همان دولت خاتمی بود

دبیرکل پیشین و مؤسس حزب اصلاح‌طلب ندای ایرانیان گفت: دولت آقای روحانی، نه دولت اصلاحات بود و نه خودش می‌دانست دولت کیست، بلکه دولت یک نفر آن هم رئیس‌جمهور بود.

صادق خرازی در کنگره حزب ندای ایرانیان که اکنون برخی سران آن در سمت‌های مختلف دولتی حضور دارند، گفت: دولت بعد از آقای احمدی‌نژاد نیز دولت ناموفقی بود و همیشه نیز گفتم که یکی از اختلافات اساسی من با دوستان‌مان در اصلاحات این بود که دولت آقای روحانی، نه دولت اصلاحات بود و نه خودش می‌دانست دولت کیست، بلکه دولت یک نفر آن هم رئیس‌جمهوری بود؛ در حالی که در همان مقطع نیز می‌توانست با اتحاد داخلی و ملی کشور را به سمت دیگری ببرد.

وی افزود: امروز سرشت و سرنوشت ما در گرو دولت آقای پزشکیان است و همه موظفیم به عنوان یک کار جمعی از دولت این مرد شایسته، خدوم، اخلاق مدار و جوانمرد با همه اختلافاتی که وجود دارد، حمایت کنیم؛ شاید ایشان باید کمی پایش را به زمین بگذارد و از آسمان‌ها و ابرها به زمین بیاید و واقعیت سیاست را بپذیرد.

خرازی با تمجید عجیب و غریب از رئیس دولت موسوم به اصلاحات افزود: فردی بر شبستان این سرزمین ظهور پیدا می‌کند، جهان را می‌شناسد و با جهان‌بینی با دنیای خودش سخن می‌گوید و به پدیده‌ای در هزاره جدید بین‌المللی تبدیل می‌شود و نامش در سازمان ملل متحد، کشورهای اسلامی و همه جهان با آبادی و آبادانی و گفت‌وگو و گفتمان و پیوند فرهنگ‌ها و تمدن‌ها آورده می‌شود، مسیر توسعه ایران را هموار می‌کند. آقای خاتمی عزیز جهان‌بینی داشت و هر روز علیه خودش و کشورش قطعنامه صادر نمی‌کرد؛ او تهدید و بحران را می‌شناخت و بر اساس آن نظر می‌داد و بر آن اساس نیز اتحاد داخلی و اجماع بین‌المللی ایجاد می‌کرد، اما بعدش با شعارهای وارداتی از جانب یهود و صهیونیسم و مخالفان توسعه ملت، دولتی احساسی و ناآگاه بر این سرزمین سایه افکند و سیاست خارجی ایران به حضیض رفت و ایرانی که در همه بحران‌های جهانی و حل و فصل آن‌ها تاثیرگذار بود، در کشورهای همسایه خود مشکل پیدا کرد.

خرازی در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: امروز ایران در کانون بحران جهانی قرار دارد؛ اوکراین، اروپا، روسیه، خاورمیانه، مقاومت در دنیای اسلام، کشورهای همسایه، میان شرق و غرب شمال و جنوب در این شرایط ما می‌توانیم ایفاگر نقش‌های مثبت و منفی باشیم. همچنین در برابر موضوعی به نام اسنپ بک که طراحی آگاهانه غرب در برجام بود، ما با یک سری بحران‌ها در یک سال آینده روبه‌رو خواهیم بود؛ در این مسیر باید سعی کنیم پشتیبان دولت کشور و ملت‌مان باشیم، اختلافات کوچک را باید کنار گذاشت و ایران را تقویت کرد.

اظهارات آقای خرازی در متفاوت انگاشتن روحانی و خاتمی و دولت‌های آنها، در حالی است که اصلاح‌طلبانی مانند رضا خاتمی برادر محمد خاتمی ادعا کرده بودند ما اصلاح‌طلبان تضمین وعده‌های روحانی هستیم و در عمل هم دولت روحانی در اغلب موضوعات مهم داخلی و خارجی به نسخه‌های معیوب و مسموم اصلاح‌طلبان عمل کردند. از سوی دیگر، روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی در دولت خاتمی و رئیس تیم مذاکره‌کننده او بود که فاجعه توافقات یکطرفه در سه سال آخر دولت خاتمی را به یادگار گذاشت و هم او یک دهه بعد با حمایت خاتمی رئیس‌جمهور شد و همان عبارت شکست خورده را این بار از جایگاه ریاست جمهوری تکرار کرد.

از سوی دیگر بر خلاف ستایش‌های عجیب و غریب آقای خرازی، خاتمی در حوزه سیاست داخلی از سوی حامیان اصلی‌اش در دو سال آخر هو شد و اردک لنگ لقب گرفت و در سیاست خارجی در حالی که غوطه‌ور در شیرینی رویای تصویب سال گفت‌وگوی تمدن‌ها بود، با اردوکشی ارتش آمریکا به افغانستان و عراق تحت عنوان برخورد تمدن‌ها غافلگیر شد!

در موضوع برجام و فاجعه تعبیه مکانیسم اسنپ بک علیه ایران هم آقای خرازی رویش نشده بگوید که همان دیپلمات‌های ارشد دولت خاتمی، این دیکته‌نویسی خسارت‌بار را انجام داده‌اند.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* چه زیبا جناب سیدهاشم الحیدری گفتند که؛ « نه در مورد سقیفه بازخواست می‌شویم و نه در مورد کربلا! بدان کجای تاریخ قرار گرفتی؟ امروز یک گزینه بیشتر نداریم آن هم حمایت از امام سید علی خامنه‌ای و جمهوری اسلامی است.» دیگران چه نگاهی به امام مسلمین دارند و ما چگونه که سر سفره ولایت نشسته‌ایم و این همه کفران نعمت می‌کنیم.

محبی

*بسیج به واسطه ساده‌اندیشی برخی دوستان و تبلیغات سوء دشمنان در ذهن اکثریت جامعه صرفا یک نیروی نظامی اسلحه به دست در اذهان ترسیم شده است.البته نظامی‌گری یکی از ابعاد این شجره طیبه است که مصداق بارز آن در هشت سال دفاع مقدس و دفاع از حرم اهل بیت به نحو شایسته خودنمایی کرده اما بسیج به عنوان یک نیروی چند وجهی پس از جنگ در بازسازی کشور،محرومیت‌زدایی، کمک به دولت‌ها در حین بلایای طبیعی،اشتغالزایی،تولید و راه‌اندازی اردوهای جهادی،کمک به قوه قضائیه در مبارزه با مفاسد اقتصادی و دهها مورد دیگر فعالیت چشمگیری داشته است.

سیدین

*خودروسازها مدعی‌اند قیمت خودرو تولیدی آنها با قیمت کمتر از هزینه تولید آن به بازار عرضه می‌شود و به همین دلیل با زیان خودرو را می‌فروشند. جالب اینکه با این بیان همیشه طلبکار هم هستند. اگر اینچنین است درهای صادرات خودرو را برای آنها باز بکنند. در بازار بین‌المللی دیگر خبری از قیمت‌گذاری نیست و آنها با توجه به کیفیت خودروی تولیدی و در رقابت با سایر تولیدکنندگان جهانی باید کالای خود را بفروشند.

شاه‌حسینی

*درست در حالی که گروسی رئیس آژانس بین‌المللی هسته‌ای در ایران مشغول بازرسی بود شاهد تنظیم پیش‌نویس قطعنامه علیه ایران در آژانس بودیم. بنابراین وقتی قطعنامه شورای حکام بدون توجه به سفر گروسی به تهران و دستاوردهای مثبت آن تصویب می‌شود؛ یعنی این که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ابزاری در دست برخی قدرت‌های زورگو برای تحت فشار قرار دادن کشورها تبدیل شده است.

نوذری

*مقامات جمهوری اسلامی ایران و خاصه دولت کنونی باید این نکته را درک کنند که برجام زمانی به وقوع پیوست که ظرفیت‌های صنعت هسته‌ای به مرحله تکامل وارد شده بود و همه آنها بر روی میز مذاکره قرار گرفت. والّا دولت‌های بدعهد غربی مفت و مجانی به کسی امتیاز نمی‌دهند. درس این واقعیت به ما یادآور می‌شود که راه تحقق منافع ملی در این عرصه از مسیر فعال‌سازی توانمندی‌های صنعت هسته‌ای می‌گذرد.فلذا ذره‌ای از منافع ملی نباید کوتاه آمد.

علوی‌نیا

* دیوان بین‌المللی کیفری روز پنجشنبه گذشته برای «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر و «یوآو گالانت» وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی به دلیل ارتکاب جرایم جنگی در غزه قرار بازداشت صادر کرد. درست است که حکم صادره در کل ضمانتی ایجاد نمی‌کند که این دو جنایتکار در لاهه محاکمه شوند، ضمن اینکه تضمینی هم نیست که این دو نفر زمانی دستگیر شوند. اما زندگی از این به بعد برای این دو جانی پیچیده خواهد شد. زیرا آنها قبل از سفر به هر کشور امضاکننده اساسنامه دیوان باید این موضوع را بررسی کنند که کشور متبوع انگیزه‌ای برای به جان خریدن هزینه‌های سیاسی و نمادین دستگیر نکردن آنها را خواهد داشت یا نه.

خانیکی

* دلیل این که وضعیت صنعت خودرو در کشور ما حل نمی‌شود این است که سال ۷۰ خودرو ملی تولید شد ولی کسانی که منافع خود را در واردات و نه خود کفایی می‌دیدند اقدام به مونتاژ خودروهای خارجی در داخل کشور کردند و با این کار بر سر مهندسین ایرانی خراب شدند.بنابر این تا زمانی که به جامعه علمی و صنعتی معتقد به خود کفایی کشورمان ضمانت لازم داده نشود صنعت خودرو سامان پیدا نخواهد کرد.

بیگ‌زاده

* حکم دادگاه کیفری بین‌المللی علیه نتانیاهو و گالانت، فراتر از اثراتی که روی زندگی شخصی آنها دارد و زندگی از این به بعد برای آنها پیچیده خواهد شد به معنای تأیید جنایت‌های جنگی این رژیم نیز است که باعث کمرنگ شدن رابطه آنها با کشورهای هم پیمان‌شان می‌شود.

جابری

* با تصمیم اخیر دیوان کیفری بین‌المللی مبنی بر بازداشت نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و گالانت وزیر جنگ سابق رژیم به عنوان جنایتکاران جنگی، رژیم صهیونیستی در بحران سیاسی و انزوای مطلق فرو خواهد رفت و مقامات این رژیم دیگر حتی نخواهند توانست آزادانه سفر کنند. این همان مرگ سیاسی برای این رژیم کودک‌کش است.

ایمانفر

* معرفی شدن سران رژیم صهیونیستی به عنوان جنایتکاران جنگی از سوی دیوان کیفری بین‌المللی و صدور حکم بازداشت این جنایتکاران برای اولین بار در تاریخ ۷۶ ساله تشکیل این رژیم جعلی در حقیقت یک پیروزی بزرگ برای مقاومت فلسطین و لبنان محسوب شده و همچنین نمادی از فروپاشی این رژیم اشغالگر خواهد بود.

آغاجری

* سیدهاشم الحیدری از رهبران مقاومت اسلامی عراق با نگاه دقیق به صحنه جنگ آمریکا و اسرائیل در منطقه خیلی دقیق و هوشیارانه گفته هدف اول جبهه کفر غزه و ضاحیه نیست، هدف اول آمریکای‌ها و صهیونیست‌ها نظام جمهوری اسلامی و سر ولایت است.اما متاسفانه بعضی افراد خام اندیش در داخل معتقدند جنگ اسرائیل با فلسطینی‌ها و لبنان بوده و ربطی به ما ندارد.

علی‌نژاد

* آقای صراف وزیر علوم مصاحبه کرده و گفته در چند سال اخیر، ۲۵ درصد از استادان مهاجرت کرده‌اند.۲۵ درصد عدد نگران‌کننده‌ای است.از قول ما بنویسید یا ایشان مفهوم ۲۵درصد را نمی‌داند یا خواسته حرف جناحی و حزبی بزند.کل اساتید دانشگاه‌های دولتی و خصوصی ۸۴ هزار نفر می‌باشد. اگر ۲۵ درصد از این مقدار یعنی ۲۰ هزار نفر مهاجرت کرده باشند خیلی از دانشگاه‌های ما باید تعطیل شده باشند.در حالی که چنین نیست.

خدمتی

* در شرایطی که نیاز مبرم به انسجام داخلی و افزایش سرمایه اجتماعی برای مقابله با تهدیدهای آمریکا و اسرائیل و پاسخ به حمله هوائی چندی پیش اسرائیل داریم، افزایش نارضایتی و التهاب در جامعه، در پی گران‌سازی‌های اخیر از جمله گرانی خودرو جای توجیه ندارد و تامل برانگیز است.

بهبهانی

* ظاهراً غربی‌ها فکر می‌کنند سعید جلیلی در ایران رئیس‌جمهور شده است. وگرنه این میزان از تحریم پُشت تحریم در همین ۳ ماه، علت دیگه‌ای نباید داشته باشد. یک نفر به اطلاع غربی‌ها برساند که پزشکیان رئیس‌جمهور شده و می‌خواهد با دشمنان مدارا بکند.

خدیو

* صحنه جنگ در غزه و لبنان و جنایات رژیم کودک‌کش صهیونی، از نظر میزان کشتار و تخریب به جنگ‌های بزرگ طول تاریخ شباهت داشت. جنگی نابرابر که در آن همه قدرت‌های غربی و برخی دولت‌ها و حکام مرتجع منطقه پشت سر یک رژیم جعلی صف کشیده و همه توان و تجهیزات‌شان را برای از رمق نیفتادن این جنایتکاران تاریخ به میدان آورده بودند.

ماهانی

* در طول یک سال اخیر بارها رژیم صهیونیستی به مدد رسانه‌های جریان سلطه از تکنیک‌هایی، مانند خبر دروغ برای آسیب زدن به روحیه و آمادگی‌های جبهه مقاومت بهره برده است. نمونه اخیر آن اخبار دروغی بود که چند روز قبل درخصوص پیشروی‌های ارتش صهیونی در جنوب لبنان و ترور مقامات حزب‌الله لبنان، به ویژه «شیخ نعیم قاسم» دبیرکل حزب‌الله لبنان ساخته و پرداخته و منتشر کردند تا بخشی از شکست‌های خود را در میدان از نظرها دور کنند، اما خیلی زود دروغ بودن آنها روشن شد.

خدابخش

* بسیجی کسی است که زندگی‌اش را وقف خدمت به مردم کرده و می‌کند. لذا هر که را دیدید که در صف اول خدمت به مردم قرار دارد، در هر پست و مقامی بدون شک او یک بسیجی است.

آقایی